



« محمد بن علی بن الحسین قال : قال الصادق علیه السلام : إن الملائكة لتتفر عند الرهان ، وتلعن صاحبه ما خلا الحافر والخف والریش والنصل ، وقد سابق رسول الله صلى الله عليه وآله أسامة ابن زيد وأجرى الخيل.»^۱ ما می گوئیم:

۱. روایت اگرچه مرسله است ولی مرسله صدوق به نحو نقل مستقیم از ائمه را از حیث سندی بی مشکل دانستیم.

۲. «لعن ملائکه» ظهور در حرمت دارد (اگرچه دوری ملائکه چنین ظهوری ندارد).

۳. «صاحبه» یعنی «صاحب الرهان» و ظهور روایت در «لعب مع الرهان» نیست.

«رؤی عن العلاء بن سیابة قال سألت أبا عبد الله ع عن شهادة من يلعب بالحمائم قال لا بأس إذا كان لا يعرف بفسق قلت فإن من قبلنا يقولون - قال عمر هو شيطان فقال سبحان الله أ ما علمت أن رسول الله ص قال إن الملائكة لتتفر عند الرهان وتلعن صاحبه ما خلا الحافر والخف والریش والنصل فإنها تحضرها الملائكة وقد سابق رسول الله ص - أسامة بن زيد وأجرى الخيل»^۲ ما می گوئیم:

۱. مجلسی در روضة المتقین، این روایت را حمل بر تقیه کرده است.

سابقاً درباره این مطلب سخن گفتیم.

۲. دلالت این روایت بر حرمت رهان، همانند دلالت روایت قبل است.

« وعن أبي ليبيد قال: سئل ابن مالك: هل كنتم تتراهنون على عهد رسول الله (صلى الله عليه وآله) ؟ فقال: نعم رهن رسول الله (صلى الله عليه وآله) على فرس له ، فسبق فسّر بذلك وأعجبه.»^۳ ما می گوئیم:

روایت دلالتی بر حرمت و یا حلیت «رهان مطلق» ندارد. چرا که اگر چه سؤال از مطلق رهان است ولی پاسخ صرفاً مرانه بر سوارکاری را تجویز کرده است.

« الجعفریات: أخبرنا عبد الله ، أخبرنا محمد ، حدثني موسى قال : حدثنا أبي ، عن أبيه ، عن جده جعفر بن محمد ، عن أبيه ، عن جده علی بن الحسین ، عن أبيه ، عن علی (عليهم السلام) ، قال : « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : كل لهو باطل إلا ما كان من ثلاثة رميك عن قوسك ، وتأديبك فرسك ، وملاعبتك أهلک ، فإنه من السنة»^۴

۱. وسائل الشیعة ط-آل البيت، ج ۱۹، ص ۲۵۱

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸

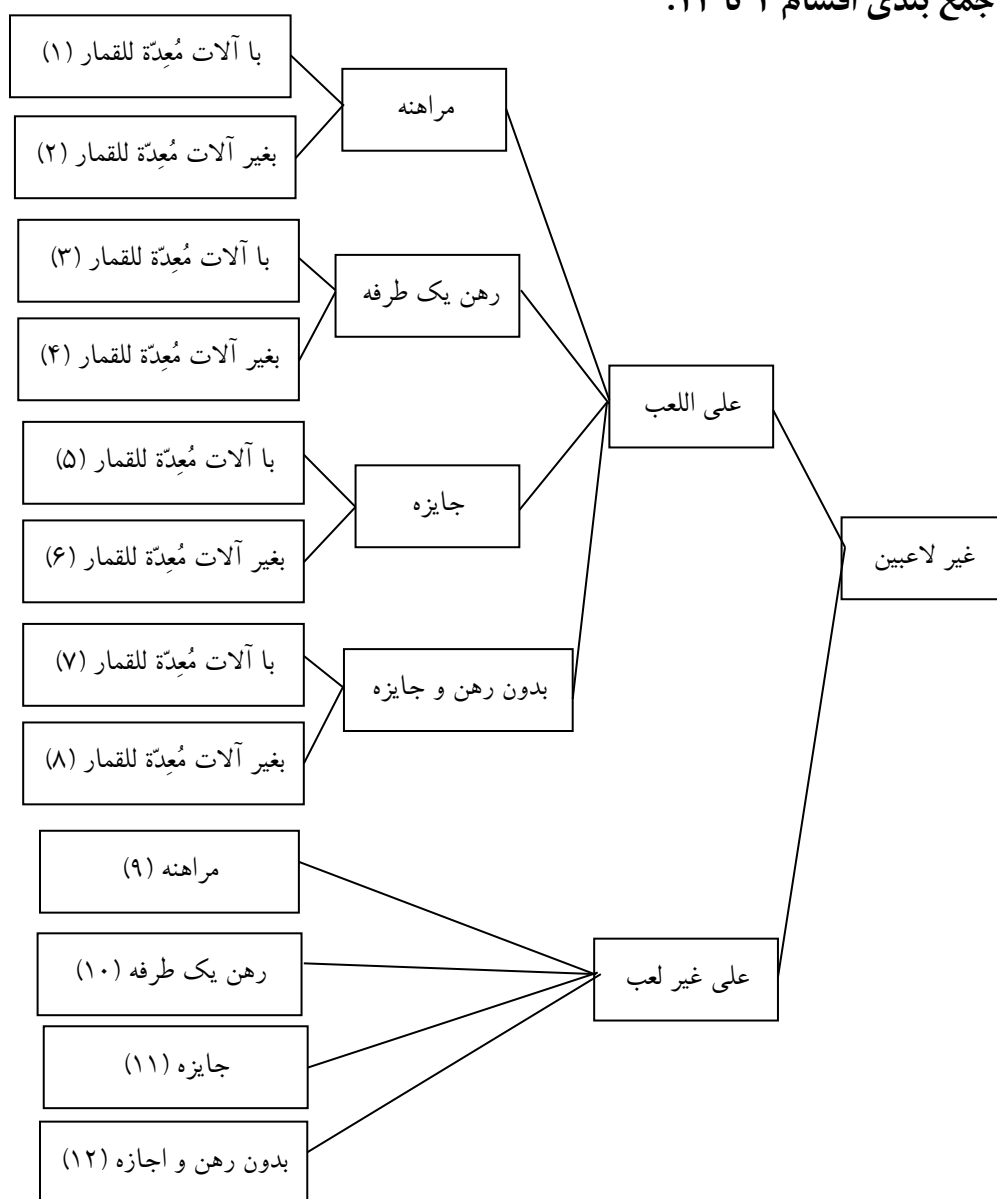
۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۸۱

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۷۷

ما می گوئیم:

چنانکه گفته ایم، حرمت مطلق لهو و لعب قابل اثبات نیست.

جمع بندی اقسام ۱ تا ۱۲:



۱. درباره شرط بندی و حکم آن می توان گفت:

حکم به تحریم هر نوع مراهنه (که دو طرف عوض را قرار می دهند (شماره های ۱، ۲، ۹)، به حکم تسالم فقها و تصریح روایت ۵ (مرسله صدوق) و روایت ۶ و ظهور روایت ۴، قابل قبول است. اضمحلالی آنکه اگر «قمار» را به مطلق مراهنه معنی کردیم، ادله حرمت قمار بر حرمت این قسم هم دلالت دارد.



درس خارج فقه ائمه اربعین



۲. اما درباره سایر اقسام:

اقسام شماره ۳، ۴ و ۱۰: (که تنها یک طرف عوض را قرار می‌دهد).

در این اقسام، شرط بندی چنین است که یکی از قرار گذاران می‌گوید اگر الف واقع شد، من به شما فلان مقدار می‌دهم ولی اگر الف واقع نشد، شما چیزی ندهید.

در بررسی قسم ۱۵ و ۱۶ گفتیم^۱ ادله تحریم رهان، رهن های دو طرفه را مورد حرمت قرار می‌دهد و لذا تحریم این نوع از رهن یک طرفه، مشکل است، اگر چه احتیاط در ترک شرط‌های یک طرفه هم می‌باشد.

اما ادله «لا سَبَقَ الا...»، چون بطلان هر عوض را مورد اشاره قرار می‌دهد، می‌توان حکم به بطلان چنین شرطی (رهن یک طرفه) کرد.

اقسام ۵، ۶، ۱۱: (که در آنها کسی از بیرون، جایزه‌ای را برای شرکت کنندگان قرار می‌دهد)

تصویر مسئله چنین است که: گروهی بازی می‌کنند (دو تیم خارجی - با آلات قمار (۵) یا بدون آلات قمار (۶-) و دو نفر که ارتباطی با آنها ندارند، بین خود قرار می‌گذارند که اگر تیم اول بُرد، تو بُردی و اگر تیم دوم بُرد من بُردم. و نفر سوم (غیر از طرفین و غیر از تیم‌های خارجی) شرط می‌کند که به برنده‌ی این دو نفر (و نه تیم‌های خارجی) عوضی را بدهد. [و یا دو نفر روی چیزی غیر از بازی دیگران چنین قرار می‌گذارند و کسی از بیرون، متعهد به دادن جایزه می‌شود (۱۱)]

درباره این اقسام می‌توان به آنچه در بررسی شماره‌های ۱۷ و ۱۸ گفته شد، اشاره کرد:

چون بر جایزه، رهان صدق نمی‌کند و «سَبَقَ» هم از جایزه منصرف است، لذا می‌توان به حلیت و صحت این قرار قائل شد.

اقسام ۷، ۸، ۱۲:

این نوع قرار گذاری، به جهت آنچه ذیل شماره‌های ۱۹ و ۲۰ گفتیم، جایز و حلال است.